■ در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حِوارٌ گفتگویی در ورزشگاه

(فِي الْمَلعَبِ الرِّياضيِّ)

إسماعيل	إبراهيم
تَعالَ نَذهَبْ إلَى الْمَلعَبِ. بیا برویم به ورزشگاه	لِمُشاهَدَةِ أَيِّ مُباراةٍ[1]؟ برای تماشای کدام مسابقه؟
لِمُشاهَدَةِ مُباراةِ كُرَةِ الْقَدَمِ. برای تماشای مسابقهٔ فوتبال.	بَينَ مَن هٰذِهِ الْمُباراةُ؟ بین چه کسانی این مسابقه؟
بَينَ فَريقِ الصَّداقَةِ وَ السَّعادَةِ. بین تیم صداقت و سعادت.	اَلْفَريقانِ تَعادَلا[2] قَبلَ أُسبوعَينِ. دو تیم مساوی شدند دو هفته پیش.
أَتَذَكَّرُ[3] ذٰلِكَ. به یاد می‌آورم آن را.	أَيُّ الْفَريقَينِ أَقوىٰ؟ کدام دو تیم قوی‌تر است؟
كِلا[4] هُما قَوِيّانِ. عَلَينا بِالذَّهابِ إلَى الْمَلعَبِ قَبلَ أَنْ يَمتَلِئَ[5] مِنَ الْمُتَفَرِّجينَ[6]. هر دو تیم قوی‌هستند باید به ورزشگاه برویم قبل از اینکه پر شود از تماشاگران.	عَلَيَّ عَينَي. تَعالَ نَذهَبْ. هیثم، بیا برویم.

فِي الْمَلعَبِ در ورزشگاه

اُنظُرْ؛ جاءَ أَحَدُ مُهاجِمي فَريقِ الصَّداقَةِ. نگاه کن؛ یکی از مهاجمان تیم صداقت آمد.	هوَ هَجَمَ عَلىٰ مَرمَى[9] فَريقِ السَّعادَةِ. او به دروازهٔ تیم سعادت حمله کرد.
سَيُسَجِّلُ[7] هَدَفاً[8]. گل خواهد زد.	هَـدَفٌ، هَـدَفٌ! گل، گل!
لٰكِنَّ الْحَكَمَ[10] ما قَبِلَ الْهَدَفَ؛ لِماذا؟! ولی داور قبول نکرد گل را؛ برای چه؟!	رُبَّما بِسَبَبِ تَسَلُّلٍ[11]. شاید به خاطر آفساید.
اُنظُرْ، هَجمَةٌ قَوِيَّةٌ مِن جانِبِ لاعِبِ فَريقِ الصَّداقَةِ. نگاه کن، حمله‌ای قوی از طرف بازیکن تیم صداقت.	يُعجِبُني[12] جِدّاً حارِسُ مَرمىٰ[13] فَريقِ السَّعادَةِ! خیلی خوشم می‌آید از دروازه‌بان تیم سعادت!
مَنْ يَذهَبُ إلَى النِّهائِيِّ؟ چه کسی به فینال می‌رود؟	مَنْ يُسَجِّلُ هَدَفاً يَذهَبُ إلَى النِّهائِيِّ. هرکس یک گل بزند می‌رود به فینال
اَلْحَكَمُ يَصفُرُ. داور سوت می‌زند	لَقَد تَعادَلا مَرَّةً ثانِيَةً بِلا هَدَف. دوباره مساوی شدند بدون گل.



۱ــ **اَلْمُباراة:** مسابقه ۲ــ **تَعادَلَ:** برابر شد ۳ــ **أَتَذَكَّرُ:** به یاد می‌آورم ۴ــ **كِلا:** هر دو ۵ــ **أَنْ يَمتَلِئَ:** که پر شود
۶ــ **اَلْمُتَفَرِّج:** تماشاچی ۷ــ **سَيُسَجِّلُ:** ثبت خواهد کرد ۸ــ **اَلْهَدَف:** گُل ۹ــ **اَلْمَرمَى:** دروازه ۱۰ــ **اَلْحَكَم:** داور
۱۱ــ **اَلتَّسَلُّل:** آفساید ۱۲ــ **يُعْجِبُني:** مرا در شگفت می‌آورَد، خوشم می‌آید (أَعْجَبَ، يُعْجِبُ) ۱۳ــ **حارِسُ الْمَرمىٰ:** دروازه‌بان